

آبرنگ «ونگوگ» رکورد زد

با فروش یکی از نقاشی‌های آبرنگ «ونگوگ» در حراجی اخیر کریستیز، رکورد جدیدی برای فروش آثار هنری آبرنگ این هنرمند مشهور هلندی به ثبت رسید. به گزارش خبرگزاری فرانسه، این نقاشی که در دوران جنگ جهانی دوم توسط نازی‌ها مصادره شده بود در حراجی کریستیز نیویورک به قیمت ۹/۳۵ میلیون دلار فروخته شد. این نقاشی منظره که سال ۱۸۸۸ میلادی خلق شده، «خرمن گندم» نام دارد که یک خرمن در «آرل» فرانسه را به تصویر می‌کشد.



بدون نگرانی به تئاتر شهر بیایید

ابراهیم گله‌دارزاده، مدیر مجموعه تئاترشهر در برنامه «پرانتز باز» رادیونمایش گفت: از مخاطبان دعوت می‌کنم که بدون هیچ نگرانی به تئاترشهر تشریف بیاورند. کارمندان ما کارمند نیستند و اغلب هنرمند هستند و دلسوزی دارند تا از نگرانی‌هایی که مردم در حوزه سلامت‌شان دارند حراست و صیانت کنند.

برگزیدگان دوسالانه خوشنویسی ایران در گفت‌وگو با جام جم از چالش‌های این هنر کهن می‌گویند

هنرمندان خطاط در برهوت انگیزه و حمایت

مهرداد نوری
جام جم قزوین

خوشنویسی ایرانی، هنری زیبا با قدمتی طولانی و شهرتی جهانی است. این هنر از گذشته‌های در میان اهالی فرهنگ و هنر قزوین ریشه‌ای محکم داشته و اساتید زیادی در این زمینه در این شهر رشد پیدا کرده‌اند که استاد بزرگ خط نستعلیق میرعماد حسنی، استاد بی‌مانند شکسته‌نویسی عبدالمجید طالقانی و هنرمندان بزرگی چون عمادالکتاب قزوینی، میرمحمدامین حسنی سیفی، گوهرشاد حسنی سیفی، میرزا محمد حسین، ملک محمد قزوینی، میرزا محمدعلی خیارجی، میر ابراهیم قزوینی و یحیی قزوینی هستند. البته شادروان استاد ابوالحسن محصص مستشاری از خوشنویسان معاصر هستند که این هنر اصیل را در قزوین احیا کرده و خدمات بی‌شماری در این راه داشتند.

به‌دلیل این پیشینه از حدود ۱۰ سال قبل قزوین به‌عنوان قطب خوشنویسی در کشور مطرح شد و از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و شورای عالی فرهنگ کشور، لقب پایتخت خوشنویسی ایران را گرفت و هم‌اکنون خوشنویسان زیادی در رشته‌های مختلف این هنر در این شهر مشغول به آفرینشگری هنری هستند اما متأسفانه هنوز با وجود این لقب پرافتخار و هنرنمایی هنرمندان این رشته در این شهر، جلوه و اثرات مثبت آن در فضاسازی و المان‌های شهری نمود پیدا نکرده و به‌عنوان هنر شاخص قزوین نه تنها به گردشگران بلکه به خود شهروندان هم معرفی نشده است. مضاف بر این که مسؤولان در فرهنگ‌سازی جایگاه آثار این رشته و فراهم کردن واحدهای فروش که در شأن این رشته اصیل باشد، خیلی ضعیف عمل کرده‌اند؛ در حالی که انتظار می‌رود این هنر در فضای شهری و معرفی آن به‌عنوان یک سوغات با برند خوشنویسی قزوین به جایگاهی برسد که سزاوار آن است. ششمین دوسالانه خوشنویسی کشور به‌تازگی به پایان رسید و هنرمندان این شهر بازهم مقام‌های مهمی در این هنر کسب کردند.



اثری از مصطفی عابدینی

فقط یک پیامک فرستادند



مصطفی عابدینی ۴۴ ساله از هنرمندان موفق در عرصه خوشنویسی است که تاکنون نزدیک به ۱۵۰ رتبه بین‌المللی و کشوری را در کارنامه خود دارد. او که در دوسالانه اخیر مقام اول رشته نستعلیق را کسب کرده است، به خبرنگار ما می‌گوید: نزدیک به ۲۵ سال است که به‌صورت حرفه‌ای در بخش نستعلیق فعالیت می‌کنم و در دو دوره آخر دوسالانه خوشنویسی مقام اول و در دوسالانه‌های قبل هم رتبه‌های دوم و سوم را کسب کردم اما می‌خواهم بدانم؛ این روالی که مسؤولان ما جلو می‌روند به کجا ختم می‌شود.

من احساس می‌کنم که بعضی مسؤولان ما برای تخریب و ناامید کردن آمده‌اند نه برای تشویق و انگیزه دادن. من بارها در این رشته هنری رتبه و مقام آوردم اما دریغ از حتی یک تلفن برای تبریک و تشویق. در دولت قبل که اصلا حمایتی از هنرمندان انجام نگرفت. در حالی که من یک شرکت‌کننده از قزوین هستم از مسؤولان شهر قزوین حتی یک نفر هم به من زنگ نزد. در این زمینه در طول سال‌های گذشته هم هیچ اتفاق و حرکتی انجام نگرفته است. چون من در آبیک هستم فقط امام جمعه آبیک به من تبریک گفتند و مسؤول ارشاد آبیک هم صرفا یک پیامک تبریک برای من فرستادند. البته من راه خودم را حتی بدون تشویق هم می‌روم و یک هنرجوی تازه‌کار نیستم که به‌دلیل تشویق و تبریک نگفتن، دست از این هنر بردارم. اما واقعا مسؤولان ما دیگر منتظر چه هستند و دیگر چه کاری باید انجام بدهیم.

این هنرمند موفق تاکید می‌کند: مگر یک قسمت از بودجه شهرداری برای هزینه کردن برای امور فرهنگی و هنری نیست؟ پس می‌توانند با مقداری از این بودجه برای هنرمندان انگیزه و تشویق ایجاد کنند. جوایز جشنواره‌هایی که در کشورهای دیگر مانند ترکیه و امارات برگزار می‌کنند، هربار چند برابر جشنواره قبلی است ولی در ایران در هر دوسالانه جوایز فرقی با دفعه قبل نمی‌کند. نتیجه این می‌شود که بعضی هنرمندان ایرانی بهترین آثار خودشان را برای کشورهای دیگر تولید کنند. حتی عده‌ای از هنرمندان، ساکن کشورهای دیگر می‌شوند چون زمینه را در آنجا مساعد می‌بینند. البته این نقص به وزارتخانه مربوط است و به مسؤولان قزوین برنمی‌گردد. اما این هنرمندان گنج‌های کشور ما هستند که از ایران می‌روند.

عابدینی که فقط در یک سال گذشته ۱۱ رتبه بین‌المللی و کشوری کسب کرده است، یادآور می‌شود: در میان بی‌انصافی‌ها و بی‌وجدانی‌ها تاکید می‌کنم که از زحمات زیاد آقای موسوی، رئیس انجمن خوشنویسی قزوین و زحمات تیم انجمن برای خوشنویسان تشکر کنم. پیگیری‌ها و نگاه خوب ایشان باعث شده است که این دوسالانه‌ها با کیفیت خوب برگزار شود. البته شاید نقاط ضعفی هم وجود داشته باشد که با مشورت و صحبت به نقاط قوت مبدل می‌شود.

وی در پایان توضیح می‌دهد: استفاده از این هنر برای فضای شهری و المان‌ها خیلی مجال کار معرفی بیشتر این هنر را دارد. غریبه‌ای که وارد شهر می‌شود متوجه ارتباط تنگاتنگ این هنر با شهر قزوین نمی‌شود. در شهرهای دیگر هم که در هنر خوشنویسی شاخص نیستند، به همین اندازه کار شده و ما تفاوتی بین قزوین که پایتخت خوشنویسی است با دیگر شهرها نمی‌بینیم. درشهر قزوین می‌توانند از هنرمندان خوب و توانمند و استادانی که داریم، استفاده کنند. تا این هنر جلوه بیشتری در شهر پیدا کند. باید از هنرمندان شهرمان حمایت مالی انجام بگیرد تا آنها نمایشگاه‌های انفرادی برگزار کنند. در این صورت با برنامه‌ریزی‌های خوب، هنرمندان ما سر ذوق آمده و آنها هم هنرجوهای دیگری را پرورش می‌دهند تا این را ادامه یابد. ضمن این‌که آثار این هنرمندان باید خریده شود.

عابدینی:
مگر یک قسمت از بودجه شهرداری برای هزینه کردن امور فرهنگی و هنری نیست؟ پس می‌توانند با مقداری از این بودجه برای هنرمندان انگیزه و تشویق ایجاد کنند

حل‌المسائل «قهرمان»

تازه‌ترین فیلم اصغر فرهادی شباهت‌های زیادی به مستند «دوسر برد، دوسر باخت» دارد

گروه فرهنگ‌وهنر

یکی از مهم‌ترین حاشیه‌های فیلم «قهرمان» که تقریبا با اولین رونمایی از این اثر در جشنواره فیلم کن مطرح شد، کپی بودن ایده آن بود و این‌که اصغر فرهادی، بدون این‌که به منبع اصلی اقتباس یعنی مستند «دوسر برد، دوسر باخت» ساخته آزاده مسیح‌زاده اشاره کند، فیلمنامه قهرمان را نوشته و آن را کارگردانی کرده است. همان زمان هم موارد نقض ادعای کپی بودن فیلم رسانه‌ای شد که ایده اصلی را متعلق به کارگاه فیلمسازی فرهادی در موسسه کارنامه می‌دانست.

فارغ از این‌که حق با چه کسی است و در هر شرایطی باید حق و حقوق منبع اصلی را محترم انگاشت و هر دو طرف باید موضعی صادقانه و حرفه‌ای داشته باشند، انتشار مستند دوسر برد، دوسر باخت در یوتیوب، حکایت از شباهت‌های عجیب با فیلم قهرمان دارد یا بهتر است بگوییم با توجه به تقدم ساخت مستند، فیلم فرهادی شباهت‌های زیادی به فیلم مسیح‌زاده دارد. حتی اگر ایده اصلی متعلق به فرهادی باشد اما این میزان از شباهت دو فیلم کمی بیش از حد متعارف است و قطعا نیاز به توضیحات سازندگان قهرمان و شفافیت کامل در این زمینه دارد. هرچند باز ممکن است فرهادی در مسیر تحقیق و تولید مستند هم نقش داشته و این ساختار و سکانس‌ها با هدایت این فیلمساز شکل گرفته باشد. نقیض همین گمانه‌زنی هم این است که اگر این‌چنین بود، احتمالا در تیتراژ فیلم نامی از او برده می‌شد اما درحال‌حاضر تنها در عنوان‌بندی اول به کارگاه موسسه کارنامه اشاره می‌شود.

انجمن مستندسازان روز گذشته با انتشار بیانیه‌ای، درباره پخش این مستند همزمان با اکران فیلم قهرمان نوشت: انجمن مستندسازان بنا دارد بحث و گفت‌وگو پیرامون این موضوع را از باب کشف و تنظیم روابط درست حقوقی و هنری در خصوص اثرپذیری فیلم داستانی از یک فیلم مستند شروع و تا رسیدن به داوری خرد جمعی ادامه دهد.

در این گزارش سعی کردیم با چند تصویر مستند دوسر برد، دوسر باخت، به شباهت‌های آن به قهرمان فرهادی اشاره کنیم. البته امیدواریم شما هر دو فیلم را دیده باشید تا هم ما قصه آنها را لو نداده باشیم و هم این‌که به‌خوبی بتوانید درباره شباهت‌ها و تفاوت‌ها و احتمال کپی‌بودن صحنه‌ها و موقعیت‌ها، قضاوت کنید.









دوسر برد یا دوسر باخت؟

فیلم مستند دوسر برد، دوسر باخت، سه بخش دارد که فیلمساز همچون نمایش عنوان پرده را به کار می‌برد. پرده اول: افسانه شکری (روایت زندانی)، پرده دوم: به دنبال زهرا یعقوبی، پرده سوم حقیقت گمشده. در این فیلم با مردی به نام محمدرضا شکری همراه می‌شویم که یک زندانی مالی است که به دلیل ناتوانی در پرداخت مهریه سنگین و بدهی‌های دیگر، دوران محکومیت خود را می‌گذراند اما هنگام مرخصی، یک کیف زنانه پر از پول پیدا می‌کند و با وجود نیاز مالی، آن را به صاحبش برمی‌گرداند. عمل قهرمانانه او، بازتاب خوبی در رسانه‌ها پیدا می‌کند و باعث کمک‌های مالی به او و آزادی‌اش از زندان می‌شود. هرچند آن‌طور که در شرح نوشت پایانی مستند می‌خوانیم، او دوباره به دلیل بدهی مالی به زندان برمی‌گردد و ادامه محکومیت خود را می‌گذراند. خب، کلیت این خلاصه به‌جز آن بحث آزادی و اگر اشتباه نکنیم مهریه، خیلی شبیه قهرمان است. در واقع قهرمان خیلی در کلیت شبیه این واقعیت است.

مبلغ بالای بدهی، پیدا کردن پول، بازگرداندن آن به صاحبش، جدایی مرد و همسر سابقش و داشتن یک بچه (البته در واقعیت محمدرضا یک دختر به نام تبسم دارد و رحیم در فیلم یک پسر به اسم سیاوش) و وجود خانمی به‌عنوان روابط‌عمومی زندان، حرفه مرد که به کار نقاشی و خطاطی و تابلونویسی می‌پردازد و... بسیار ما را به یاد قهرمان می‌اندازد. به‌جز اینها شباهت‌های دیگری هم هست که به آن اشاره می‌کنیم.

حتی سکانس‌های شروع هر دو فیلم با زندان است. در مستند گروه فیلمسازی، محمدرضا را جلوی در زندانی می‌برد که از آن آزاد شده و در قهرمان هم آمدن رحیم به مرخصی را می‌بینیم.

خونسردی و آرامش رحیم هم تا حدودی از محمدرضا می‌آید. محمدرضا در جایی از مستند می‌گوید که «نهایت خشمم، خنده‌مه!» البته تفاوت‌هایی هم در شخصیت‌پردازی لحاظ شده و رحیم فیلم با وجود برخی زرنگی‌های بی‌نتیجه، به زبلی و بازیگوشی و متوقع بودن شخصیت اصلی نیست و یک جاهایی هم بالاخره و در حد مختصات شخصیتی خودش از کوره درمی‌رود.

آن بحث تردید و وسوسه رحیم برای برداشتن پول برای خود یا پس دادن آن به صاحبش در قهرمان هم مستقیما از مستند دوسر برد، دوسر باخت می‌آید.

نقش جام جم در قهرمان

نقش روزنامه جام جم را هم نباید در تولید فیلم قهرمان فرهادی نادیده گرفت! یکی از روزنامه‌هایی که در زمان ماجرای واقعی و سال ۹۱ سراغ محمدرضا شکری رفت و با او درباره کار قهرمانانه‌اش مصاحبه کرد و نقش مهمی در شهرت و کمک‌های مردمی به او داشت. در مستند دو سر برد، دو سر باخت هم تصویری از آن گزارش را می‌بینیم با تیتر: تبسم به من افتخار خواهد کرد. این تیتر با توجه به فضای قهرمان این‌طوری می‌شود: سیاوش به من افتخار خواهد کرد. در واقع برای رحیم همین کفایت می‌کند که قهرمان پسرش باشد.

کاغذ اخبار

معاون وزیر ارشاد خبر داد

عزم دولت برای تأمین کاغذ مطبوعات

نشست هم‌اندیشی تامین کاغذ موردنیاز مطبوعات کشور با حضور معاون مطبوعاتی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و جمعی از مدیران مطبوعات و واردکنندگان کاغذ در محل سالن نشست‌های معاونت امور مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی برگزار شد.

به گزارش جام جم به نقل از معاونت مطبوعاتی وزارت ارشاد، فرشاد مهدی‌پور، معاون امور مطبوعاتی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ابتدای این نشست با اشاره به عزم جدی دولت در تامین کاغذ موردنیاز کشور از طریق تولیدات داخلی، کاغذ را از ضروری‌ترین ملزومات مطبوعات عنوان کرد و افزود: معاونت مطبوعاتی تلاش می‌کند زمینه‌های لازم را برای تامین کاغذ مطبوعات به‌قدر کفایت و براساس نیاز بازار تهیه و در اختیار نشریات کشور قرار دهد.

مهدی‌پور به کاهش شدید میزان توزیع کاغذ با ارز دولتی در سال ۹۹ اشاره کرد و با اشاره به برنامه‌ریزی درازمدت برای تامین کاغذ موردنیاز مطبوعات با استفاده از ظرفیت تولید داخل گفت: با توجه به محدودیت تولید کاغذ مطبوعات در مقطع کنونی، همه تمهیدات لازم برای واردات آن اندیشیده شده است.

وی بر لزوم همکاری و هم‌افزایی مدیران رسانه‌ها، تولیدکنندگان و واردکنندگان کاغذ و همچنین فعالان چاپ و نشر کشور برای بهبود شرایط کنونی تاکید کرد و افزود: برای ثبات و ایجاد شرایط مطلوب در بازار، نیازمند یک تدبیر فوری و کوتاه‌مدت هستیم اما طرح بلندمدت ما این است که دولت به‌طور کلی از تصدی‌گری در موضوع کاغذ خارج شده و تامین و توزیع آن را به بخش خصوصی واگذار کند. حمایت از تولید داخلی و کاهش وابستگی‌ها در درازمدت، تلاش برای کاهش تصدی‌گری دولت و ایجاد رقابت در تولید و واردات کاغذ توسط بخش خصوصی، واردات و توزیع فوری و عادلانه کاغذ با توجه به میزان مصرف واقعی نشریات، مدیریت و کنترل بازار با تکیه بر آمار و اطلاعات موجود در اداره‌کل مطبوعات داخلی، ارائه تسهیلات به واردکنندگان بخش خصوصی، لزوم بازنگری در سازوکارهای حمایتی دولت، اتخاذ تدابیر لازم برای کاهش قیمت تمام‌شده کاغذ تولید داخل و ساماندهی سازوکارهای نظارتی در توزیع عادلانه کاغذ از جمله اهم راهکارهای عنوان‌شده از سوی حاضران در این نشست بود.

نمایش آثار درم‌بخش در خانه هنرمندان



محمدحسین نیرومند، مشاور امور هنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: امیدواریم بتوانیم آثار زنده‌یاد کامبیز درم‌بخش را با همکاری پسر ایشان و همچنین مدیریت خانه هنرمندان ایران در قالب نمایشگاهی در معرض دید عموم قرار دهیم.

وی در گفت‌وگو با ایبنا اظهار کرد: امیدواریم با همکاری رامین درم‌بخش، پسر زنده‌یاد کامبیز درم‌بخش و مدیرخانه هنرمندان ایران که قول داده‌اند گالری‌های خود را در اختیار بگذارند، بتوانیم نمایشگاهی برای ارائه آثار آن هنرمند فقید دایر کنیم.

وی با بیان این‌که برای برگزاری این‌گونه مراسم و حمایت‌ها، بودجه نیاز است، گفت: بحث اصلی این داستان‌ها و حمایت‌ها، بودجه است و از آن مهم‌تر این‌که هنوز معاونت‌های مختلف در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مانند معاونت هنری با سرپرست اداره می‌شوند و باید منتظر ماند تا تکلیف این معاونت‌ها مشخص و برنامه‌های کلی در این زمینه تبیین شود.

وی در پاسخ به این پرسش که برای ماندگاری آثار هنرمندان پیشکسوت چه برنامه‌ای دارید، گفت: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای همه هنرمندان پیشکسوت در بخش‌های مختلف برنامه‌هایی دارد و موسسه هنرمندان پیشکسوت اکنون وظیفه‌اش پیگیری همین مساله است. امیدواریم در وهله اول آثار تولیدشده را درست منتشر کنیم و سپس به فکر تولید آثار جدید باشیم.